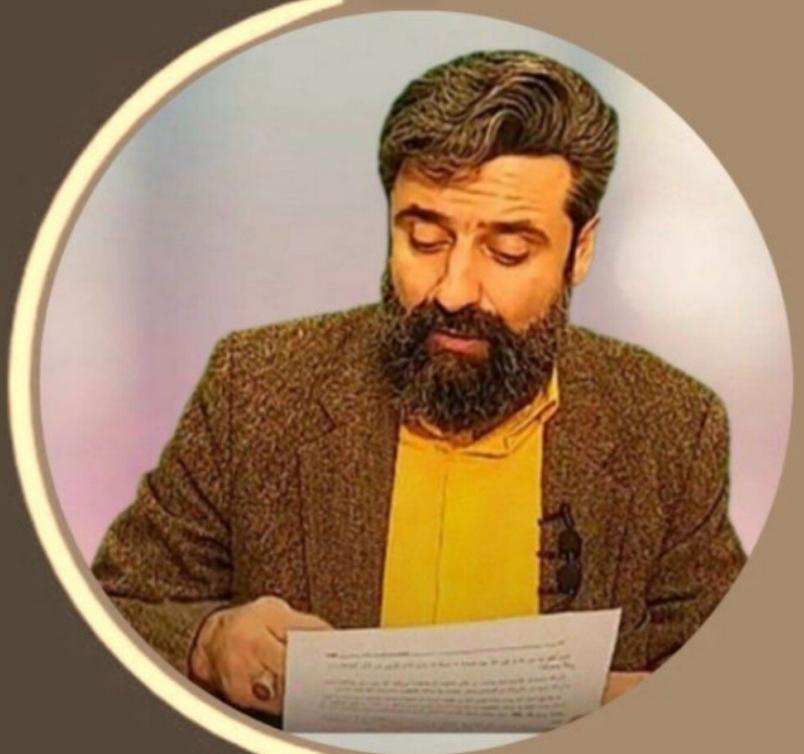


لطفاً همیشه قاعده‌ی تحریف

دکتر باقرپور کاشانی





تعريف قاعده‌ی لطف

در خصوص قاعده‌ی لطف من یک تحقیق مفصلی چندین سال پیش داشتم. قاعده‌ی لطف، تقریرات مختلف و ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد. اما یک تعریفی که در بین کتب مطرح کلامی مطرح شده، این را من در چند خط در صفحه‌ی ۷۲ از کتاب «ستارگان هدایت» آوردم که نتیجه‌ی کتاب‌های مطرح کلامی، شده این مطالبی که الان مطرح می‌کنم.

اول اینکه این مطالب از چه کتاب‌هایی تلخیص و در نظر گرفته شده: کتاب شیخ مفید «النکت الاعتقادية» صفحه‌ی ۳۵ تا ۳۹ این قاعده را شرح داده و تلخیصش آورده شده؛ کتاب «الذخيرة فی علم الكلام» علی بن حسین علم‌الهدی (سید مرتضی) این را در صفحه‌ی ۴۱۰ آورده؛ کتاب «الرسائل العشر» صفحه‌ی ۹۸ تا ۱۰۷ از محمدبن حسن طوسی؛ کتاب «تلخیص المحقق» یا «نقد المحقق» صفحه‌ی ۱۴۰۷ از مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی؛ «مناهج اليقین» صفحه‌ی ۴۳۹ از علامه حسن بن یوسف حلی؛ کتاب «الوامع الإلهي» صفحه‌ی ۲۴۱ از جناب فاضل مقدم این را آورده؛ مرحوم علامه مجلسی در «حق اليقين» صفحه‌ی ۶۴ این تعریف را آورده؛ کتاب «اصل الشیعه و أصولها» از جناب محمدحسین بن علی کاشف الغطاء در صفحه‌ی ۷۴ آورده؛ «دلائل الصدق» جلد چهارم صفحه‌ی ۲۵۳ از محمدحسین بن مظفر؛ و در «عقائد امامیة» صفحه‌ی ۵۱ از محمدرضا مظفر آورده شده است. به اینگونه من یک تعریف جامع و ساده از قاعده‌ی لطف که در بین کتب کلامیه مطرح شده آوردم.



تعريف قاعده‌ی لطف

متن نمونه تعریف این است:

«بر اساس قاعده‌ی لطف، گماشتن نبی یا امام، لطف است. لطف بر خدا واجب؛ پس گماشتن نبی و امام بر خدا واجب است».

این تجرید قاعده، اما توضیحش:

«لطف چیست؟! لطف بخشش و موهبتی است که در پرتوی آن، اسباب پیروی از دستورات خداوند فراهم می‌آید و زمینه‌ی دوری از گناه آماده می‌شود». این متوقف به چیست؟! به هدف خلقت!
لطف چه بود؟!

یک موهبتی و یک بخششی که در پرتوی آن خدا اطاعت و پیروی می‌شود و زمینه‌ی دوری از معاصی مهیا می‌شود.

«بی‌گمان نصب نبی و امام از سوی پروردگار از این ویژگی برخوردار است». چرا؟ زیرا نبی که مجرای علم الهی و تذکر نسبت به فرامین الهی هست، در پرتوی آن خدا اطاعت و از معاصی دوری می‌شود؛ البته برای چه کسی؟!

برای کسی که بخواهد! در مورد فاعل مختار این است که به جبر بنا نیست خوب شود! باید خودش بخواهد!

«زیرا تردیدی نیست که اگر در میان مردم شخصیتی باشد که برای برپایی علم و عدالت در جامعه بکوشد و با هرگونه ظلم و فساد و جهل بستیزد و مردم را به انجام وظایف الهی‌شان وا دارد و از ارتکاب گناهان باز دارد، زمینه برای رویکرد آن‌ها به اطاعت الهی و پرهیز از گناهان، آماده‌تر و مقدمات صلاح و رستگاری بشر فراهم می‌شود. گماشتن نبی و امام از سوی خداوند لطف است».



تعريف قاعده‌ی لطف

يعنى چنین بازدارندگى را دارد و چنین ترغيبى رو انجام واجبات و ترك
محرمات دارد.

و لطف بر خدا واجب است! چرا؟! چون نقض غرض هست! خلق کرده که
عبادتش را بکنند، اگر حجت الهى را نفرستد، عبادت تحقق پيدا نمی‌کند!
«زيرا ترك آن موجب اخلال در هدف آفرينش است. هدف خداوند از آفرینش
انسان‌ها، بندگى و فرمانبردارى و پرهيز از گناهان است».

که مقدمه‌اش عرض کردم معرفة الله و معرفت به فرامين اوست.
«چنان‌چه لطف انجام نگيرد اين هدف برآورده نخواهد شد و نقض غرض
(خلاف هدف و منظور عمل کردن) از خداوند حكيم، زشت و ناپسند است».